

فرانسه-اسرائیل، لابی، آری یا نه؟

آیا اسرائیل در جنگ تبلیغاتی نفوذ در فرانسه برنده است؟

نشریه اینترنتی اوریان بیست و یکم، بررسی مفصلی به این موضوع اختصاص داده، که در چهار شماره منتشر می شود. ظاهراً، همه می پذیرند که در جهانی که از هر سو تهدید می شود، دفاع از اسرائیل امری اساسی است. اما، تجربه ما نشان می دهد که فرانسوی ها در این مورد تردید دارند. لابی های طرفدار اسرائیل، چه در واشینگتن و چه در پاریس، چهره واحدی ندارند و در همه سطوح و در همه پیشه ها و در همه نهادها پیدا می شوند. اما، آیا می توان همچنان حقیقت را در پشت هزاران سوداگری و تلاش و سرمایه گذاری پنهان کرد. بررسی زیر، تلاش می کند به این پرسش پاسخ دهد.

قانون سکوتی که منشاء آن جانی دورتر است

ژان استرن، روزنامه نگار پیشین "لیبراسیون" و "لا تریبون" و همکار نشریه عفو بین الملل و نویسنده سه کتاب اوریان بیست و یکم، 12 ژانویه 2021 ترجمه بهروز عارفی

فرانسه-اسرائیل، لابی، آری یا نه؟ (بخش اول)

از آن جا که اصطلاح «لابی یهودی» که منشاء آن راست افراطی یهودی ستیز است، مَهَر داغ خورده، واژه «لابی» ایجاد جر و بحث زیاد کرده است. گرچه برخی ترجیح می دهند از «محافل نفوذ» صحبت کنند، همه موافقت می کنند که از بیست سال پیش، فشار تاثیرگذاران طرفدار اسرائیل افزایش یافته است و خواست آنان سلب حقانیت از هواداران فلسطین است.

به ندرت اتفاق می افتد که در یک مقاله، برای جلوگیری از قصاص قبل از جنایت که کاربرد واژه «لابی» در رابطه با اسرائیل برمی انگیزد، در مورد موضوع یا حتی بررسی آن، نوعی پیش شرط قائل شد. در کشوری چون فرانسه، بدون هیچ مشکلی می توان از «لابی طرفدارشکار» یا «لابی هوادار انرژی هسته ای» صحبت کرد. منشاء تردیدهای معاشناختی و جو ظن و تردیدی که به سختی حکمفرماست، از کجاست؟

خود واژه «لابی» که در واشنگتن پیش پا افتاده و در بروکسل معمول است، در پاریس بحث و جدل ایجاد می کند. ابتدا، این اصطلاح انگلیسی در آغاز قرن نوزدهم در لندن پدیدار گشت و آن را برای نشان دادن کسانی به کار می بردند که در راهروهای مجلس عوام پائین و بالا می رفتند تا نمایندگان بریتانیایی را در مورد درستی این یا آن حرفه و به ضرر منافع عمومی متقاعد سازند. در زبان فرانسه، «گروه فشار» را ترجیح می دهند، که تاحدودی به همان معنی است. اما، به ویژه به این دلیل که «لابی یهودی» از سال های دهه 1930 به زبان راست افراطی یهودی ستیز (آنتی سمیت) تعلق دارد که در محافل سیاسی و فرهنگی پیش از جنگ نفوذ داشتند. خشونت اتهام ها علیه لئون بلوم یا ژان زه، گستاخی نوشته های لویی-فردینان سلین، پُل موران و چندی دیگر، بیش از همه «لابی یهودی» را هدف قرار می داد که از

سوی دیگر، وجودی تخیلی داشت، چرا که جماعت یهودی فرانسه در آن زمان، کم‌سازمان یافته و اغلب غیرمذهبی (1) بود.

در اوضاعی که یهودی ستیزی برآمد دوباره قابل ملاحظه ای دارد و به ویژه در شبکه های اجتماعی به طور فزاینده ای به چشم می خورد، صحبت از لابی، حتی اگر با واژه «طرفدار اسرائیل» تکمیل شود، نوعی پستی تلقی می شود، و باوجود این، بیشتر مخاطبان من به یک صورتی آن را به کار می برند، زیرا مناسب تر است. برونو ژونکور، نماینده مردم سن بریو در مجلس و عضو «جنبش دموکرات» (حزب مویم) می گوید «هن واژه لابی را به کار نمی برم، ولی به آن خیلی شبیه است». کمی بعد خود او از این واژه استفاده می کند و می افزاید: «لابی طرفدار اسرائیل به ویژه محافل اقتصادی، فرهنگی و رسانه ای را نشانه گرفته است. در حیطه سیاسی، پویائی شماری از انجمن ها در تبلیغ اسرائیل و سیاست آن با همه امکانات لازمه چشم می خورد.»

شبکه های بانفوذ کاملاً واقعی

وزنه واژه ها و نیز کاربرد آن ها واقعیتی است که از تقسیم بندی های سنتی فراتر می رود. یک دیپلمات عالی مقام پیشین که در چند کشور خاورمیانه از جمله اسرائیل خدمت کرده، ترجیح می دهد از «لابی صهیونیستی» صحبت کند، با این ملاحظه که واژه لابی «بارمعنایی افراطی» دارد.

افراطی یا منفی؟ فردریک شیلو، کارشناس روابط فرانسه-اسرائیل معتقد است که «واژه لابی بارمعنایی منفی و نزدیک به دسیسه گر دارد. کریف [شورای نمایندگی نهادهای یهودی در فرانسه] گفتار راست گرایان ناسیونالیست اسرائیل را بازتاب می دهد. این شورا گفتمانی بسیار سلطه گرانه همراه با شیفتگی نسبت به قدرت و شخصیت های عمومی کاملاً بی پروا و الگوهای دماغوژی و رهبری غیرلیبرال پخش می کند. اما، همچنین بی تفاوتی نسبت به آرمان فلسطین در فرانسه وجود دارد. این کشمکش به مناقشه ای بی رمق تبدیل شده، زیرا تروریسم، فرانسه را بسیار به اسرائیلی ها نزدیک تر کرده است.»

از نگاه کلمانتین اوئن، نماینده استان سین سن دنی از حزب «فرانسه نافرمان»، مسئله اصلی بیشتر از این که به واژه مربوط باشد، خود واقعیت است: او به محض این که در مورد این موضوع در مجلس اظهار نظر می کند، در حوزه انتخابی اش، یا در رسانه ها (البته به ندرت چرا که به خاطر قانون سکوت حاکم فقط در تلویزیون فرانس 24 ظاهر می شود) زیر فشار قرار می گیرد. «امروز، اگر به سیاست حکومت اسرائیل اعتراض کنید، و یا اگر از آرمان فلسطین دفاع کنید، باید فشارهای زیادی را تحمل کنید، و بلافاصله شما را متهم به یهودستیزی می کنند.» و او توضیح می دهد که «باید محکم بود. اما من از واژه لابی که مرا معذب می کند، خوشم نمی آید. در این باره، "لابی یهودی" برایم تداعی می شود. واژه ها تاریخ و طنینی دارند، این کار عقلانی نیست. اما، به یقین با استفاده از واژه محافل نفوذ بسیار فعال موافق ام.»

یکی از همکاران او از حزب «جمهوری به پیش» می گوید: «لابی وجود ندارد، افرادی وجود دارند که تاثیرگذار هستند. البته درست است که آنان سنگ تمام می گذارند و هر وقت که شما را نشانه می گیرند، ول گن نیستند.» ژاک فات مسئول پیشین بخش بین المللی حزب کمونیست فرانسه، توضیح می دهد: «شبکه های تاثیرگذاری طرفدار اسرائیل موفق شده اند پشتیبانی واقعی را در جنبش های سیاسی بیابند، برای مثال، در حزب سوسیالیست، بسیاری در پشتیبانی از اسرائیل تردیدی به خود راه نمی دهند. از سوی دیگر، این امر روندی طولانی از تضعیف نقش فرانسه در منطقه را موجب شده است.»

مسئولیت این پشتیبانی ها را به عهده می گیرند

کسانی هستند که به راحتی از این واژه استفاده می‌کنند. رُنی بَرُومَن، رئیس پیشین «پزشکان بدون مرز» می‌گوید «من بدون شک، واژه لابی را به کار می‌برم. کریف به مثابه یک لابی عمل می‌کند و آشکارا اعلام می‌کند که حامی اسرائیل است. لابی طرفدار اسرائیل، از جنبه سیاسی و روشنفکری وجود دارد که هم رسمی و هم غیررسمی است. فشاری که وارد می‌کنند نتیجه بخش است و افراد زیر فشار نمی‌خواهند که دچار دردسر شوند».

برخی دیگر ترجیح می‌دهند که از روی احتیاط، هویت شان اعلام نشود. یک استاد دانشگاه می‌گوید: «من خیلی تحمل کرده‌ام. در بین لابی، سفارت اسرائیل، الیت، کریف را داریم. اینان امکانات فراوان در اختیار دارند. این که شرکت‌ها در جستجوی بازار در اسرائیل تلاش کنند، طبیعی است. اما برای طبقه سیاسی و روزنامه‌نگاران که هدف عملیات پروپاگاندا (تبلیغاتی) هستند، زیان آور است».

یکی از معاونان شهرداری پاریس می‌گوید: «اصطلاح "لابی طرفدار اسرائیل" تکان دهنده نیست، زیرا لابی واقعیت دارد. فرانسوا پوپونی، نماینده اهالی سارسیل، از اعضای پیشین حزب سوسیالیست که به "مودم" پیوسته (که طرفدار اسرائیل هم است)، توضیح می‌دهد: «لابی طرفدار اسرائیل، نمایندگان مجلس را به اسرائیل می‌برد تا واقعیت پدیده‌ها را ببینند لابی قادر است موجب کشف خیلی چیزها شود. نباید تحول سیاست اسرائیل، راست اسرائیل و جامعه اسرائیل را نادیده گرفت، بایست آن را شناساند». سازمانی مانند الیت، درست، همین سیاست را به کار می‌بندد که هدفش معرفی اسرائیل به تصمیم‌گیرندگان سیاسی و اقتصادی در شرایطی مطلوب و نیز نادیده گرفتن ابتکار عمل‌های طرفدار فلسطین است، و این کار بخشی از اظهارات عمومی کریف است (در مورد این دو سازمان بیشتر صحبت خواهیم کرد).

«در بیت المقدس (اورشلیم)، فرانسه اهمیتی ندارد»

با این همه، بحث بین طرفداران کاربرد واژه لابی و کسانی که خویشتن داری پیشه می‌کنند، پایان نیافتنی است. یکی از کارفرمایان بزرگ فرانسه که زمانی طولانی در اسرائیل فعالیت می‌کند، توضیح می‌دهد: «من واقعا به لابی اعتقاد ندارم. این موضوع در آمریکا موثر است - تازه آن هم در حال متلاشی شدن است - می‌دانید، در بین فرانسوی‌های ساکن اسرائیل، گروه‌های بی‌شمار، جریان‌ها و شاخه‌های گوناگون وجود دارد و همسان نیستند. در فرانسه، به یقین طرفداران اسرائیل وجود دارد، ولی واقعا یک گروه از اشخاص نیست، چندان سامان یافته نیست». خانم گُنستانس لو گریپ، نماینده عضو حزب «جمهوری خواهان» معتقد است که «شبکه‌های طرفدار اسرائیل حتما وجود دارد، اما شبکه‌های طرفدار فلسطین نیز هستند. شبکه‌های ضد روسیه نیز وجود دارند. زندگی چنین است».

اما، لابی طرفدار اسرائیل - از این واژه استفاده خواهیم کرد، زیرا در واقع قابل تردید نیست - نیز در فرانسه ضعف‌هایی دارد. یک سفیر پیشین می‌گوید «از این پس، اسرائیل فقط به ایالات متحده و اتحادیه اروپا توجه دارد؛ در بیت المقدس، فرانسه اهمیتی ندارد». یکی از علائم بی‌توجهی اسرائیل نسبت به فرانسه این است که بیش از یک سال است جانشین آلیرا بن نون، سفیر اسرائیل در پاریس انتخاب نشده است. پس از دو کاردار، تالیا لادور-فرشر و سپس ایریت بن آبا ویتال که در سال 2020 مسئول سفارت بودند، اکنون دانیل سعدا، وزیر مختار سفارت، مسئولیت موقت را به عهده گرفته است. یکی از دیپلمات‌های اسرائیل در پاریس به طور خصوصی اطمینان داد که نباید به این وضعیت به عنوان نشانه بی‌توجهی نگریم، بلکه نتیجه پیامدهای جو سیاسی اورشلیم است. سفیر اسرائیل در پاریس یکی از ده سفیری است که گزینش آن به عهده دولت است و در نتیجه امری کاملا سیاسی است. در حالی که حکومت

در ماه های اخیر بین «حزب آبی-سفید» و «لیکود» تقسیم شده و در مورد نام سفیر اسرائیل در پاریس نتوانسته اند به توافق برسند. بقیه کار به پس از انتخابات مارس 2021 موکول می شود.

سمینار اینترنتی انت

در زمینه تبلیغاتی، اقدامات لابی بر روی امواج رادیوهای فرقه ای و جماعتی و در شبکه های اختصاصی می چرخد. گذشت آن زمانی که در سال های دهه 1990، با عنوان «شش ساعت برای اسرائیل»، گردهم آئی های بزرگ برگزار می شد یا جشن های پشتیبانی از ارتش اسرائیل در «کاخ کنگره های» پاریس ترتیب داده می شد.

النت، نماینده اصلی لابی، به طور کلی، کمتر یهودیان فرانسه و افکار عمومی را هدف قرار می دهد و بیشتر «رهبران» فرانسوی را نشانه می گیرد. وبینر (سمینار اینترنتی) النت با گرداندگی پُل آمار روزنامه نگار مشهور، در 7 ژوئن 2020 مدعویین برجسته ای داشت، البته بدون سورپریز: مانوئل والس، نخست وزیر پیشین، از میان نمایندگان مجلس، اُورور پرژه – که برایش اسرائیل «بیک معجزه» است (برای این مدافع آتشین لائیسیته فرانسوی که در ضمن رئیس گروه دوستی فرانسه- اسرائیل در مجلس ملی فرانسه هم است، نگران می شویم) – سیلون مایار و میر حبیب که رادیوی فرانس آنتر را «به اختراع خبر»، وراجی متهم می کند... پل آمار، سرانجام، با حس خشم تماشاگران برنامه صحبت او را قطع می کند، و نوبت را به گُنستانس لو گریپ می دهد. مهمان دیگر برنامه، حسن شلقومی، امام جمعه شهر درانسی [حومه پاریس] برای چندمین و چندمین بار داستان نخستین سفر خود به اسرائیل تعریف می کند که در بازدید از شهرک های مستعمره با افسران ارتش اسرائیل و نمایندگان کولون ها [اهالی این شهرک ها] ملاقات کرده است. در نخستین روزهای دسامبر 2020، وبینر النت روی «بیوتیوب»، فقط 81 بازدیدکننده ناقابل را نشان می داد، یعنی حدودا کمی بیشتر از تعداد شرکت کنندگان در این مراسم وفاداری.

جلوگیری از هر بحثی

در واقع، شاید ابتدا در شبکه های اجتماعی است که دو آتشه ترین طرفداران لابی در ضدحمله بی وقفه، به هر انتقادی پاسخ می دهند. من می توانم گواهی دهم. هنگامی که در سال 2017، گزارشی تحقیقی با عنوان «سراب هم جنس گرایی در تل آویو» (انتشارات لیبرتالیا) منتشر کردم که در مورد تدارک برنامه بازاریابی Pinkwashing که کارزاری بود که مقامات اسرائیلی برای جلب توجه جهانگردان هم جنس گرای غربی ترتیب داده بودند، در شبکه های اجتماعی غرق ناسزا شدم و در مراسم پایانی معرفی کتابم در کتابفروشی های تولوز و ژنو، مرا تهدید به مرگ کردند.

تکفیر جایگزین تبادل می شود و جای بحث را ناسزا پر می کند. به طور کلی، برای تعدادی از شخصیت ها و برخی که از ده ها سال ناسزا فرسوده شده اند، بحث غیرممکن به نظر می رسد. حال آن که، اگر بحث نباشد، سوژه ای نیز وجود نخواهد داشت. یکی از دیپلمات های پیشین وزارت خارجه فرانسه که معتقد است سوژه «تله» ای شده است، باتاسف می گوید «توانائی نه استدلال کردن یا رد کردن بلکه ممنوع کردن شخص از حرف زدن، بسیار نیرومند شده است». هوبر ودرین، رئیس دفتر پیشین کاخ الیزه و نیز وزیر پیشین امور خارجه با ناراحتی می گوید «در طول سال ها، بحث درباره این موضوع در اروپا غیرممکن شده است، لیکود و آنتن هایش در خارج موفق شده اند که هر انتقادی از سیاست اسرائیل در سرزمین های اشغالی و شرایط زندگی تحمیلی بر فلسطینی ها را ضدصهیونیستی و حتی آنتی سمیت [یهودستیزانه] نشان دهند.

به صورت متناقضی، چند روشنفکر، چند روزنامه نگار و چند رسانه که تعدادشان زیاد نیست، در داخل اسرائیل، بحث را زنده نگه داشته و معتقدند که به رغم ائتلاف جدید علیه ایران با شرکت چند کشور عربی و به خاطر مبارزه عمومی علیه اسلام، مسئله فلسطین کاملاً کهنه نشده است.»

اما در هر دوسو، حال و هوا انفجاری به نظر می رسد. کنستانس لو گریپ، که در دوران ریاست جمهوری نیکولا سارکوزی، از مشاوران کاخ الیزه بود، به نوبه خود تفسیر می کند «چیزی که به ویژه مرا نگران ساخته، نفرت از یهودیان و نفرت از اسرائیل است که هم واقعیت دارد و هم در شبکه های اجتماعی به چشم می خورد. دوست اسرائیل بودن، لازمه اش روبروئی با فحش و ناسزا است.»

نفرت از یهودیان؟ نفرت از اسرائیل؟ نفرت از فلسطینیان؟ نفرت از صلح؟ سوء تفاهم؟ ناممکنی گفتگو؟ دروغ و فریبکاری؟ من کوشش می کنم چند سرنخ از آن ها را به دست دهم.

نیمه شکست ها

لابی طرفدار اسرائیل، ابهام ایجاد کرده است. با نسبت دادن هر انتقادی از سیاست اسرائیل به یهودی ستیزی، این لابی موفق شده صف هوادارانش را تحکیم کرده، و به ویژه کناره گیری برخی و سکوت بسیاری را موجب شود. نماینده مردم یک شهر بزرگ با خشم می گوید «ترسوها! اگر می دانستید!». با وجود این، فرانسه، دست کم به طور رسمی، گفتمان خود را کاملاً انکار نکرده است. در ژوئیه گذشته، رئیس جمهوری فرانسه، در یک کنفرانس ویدئویی، مخالفت خود با الحاق سرزمین های اشغالی فلسطین را به عنوان «متضاد با حقوق بین المللی»، قاطعانه به بنیامین نتانیا هو یادآوری کرد. ژان ایو لودریان، وزیر امور خارجه فرانسه نیز در پایان ژوئن در مجلس سنا، طرح «الحاقی را محکوم کرده. گفته بود که به صورتی برگشت ناپذیر، ما را از ایجاد دولت فلسطین پایدار، هم از جنبه سیاسی و هم جنبه اقتصادی، دور خواهد کرد». برتران هبیرون، رئیس انجمن همبستگی فرانسه-فلسطین AFPS در باره این موضع گیری گفت «باید با دو دست او را تشویق کرد. من بهتر از این نمی گفتم».

حتی بهتر از آن، تعدادی از نمایندگان مجلس اروپا از جمله چند نماینده از گروه پارلمانی Renew وابسته به حزب «جمهوری به پیش»، در اوایل تابستان 2020، فراخوانی را علیه الحاق [سرزمین ها] امضا کردند. و در میان آن ها نام ژیل بوآیه از نزدیکان ادوآر فیلیپ، نخست وزیر پیشین، پاسکال کانفن، و ناتالی لوآزو، دو وزیر پیشین دولت ماکرون، برنار گتا، از مفسران پیشین سیاست خارجی در رادیو دولتی فرانسه (فرانس انتر) یا استفان سژورنه، یکی از نزدیکان تاریخی ماکرون که در پائیز گذشته با حفظ سمت نمایندگی پارلمان اروپا، به عنوان مشاور سیاسی در کاخ ریاست جمهوری منصوب شد، دیده می شدند.

مسئله این است که کسی این مطلب را نمی داند. منشاء این قانون سکوت، جای دورتری است. عمده ترین متحد لابی در فرانسه، دادوقال چند سمج در شبکه های اینترنتی نیست، بلکه بیشتر سکوت کسانی است که باید حرف بزنند یا دست کم، اطلاع رسانی کنند و در رده نخست، روزنامه نگاران هستند. و این لابی به این متحد باارزش نیاز دارد، زیرا نتیجه، همیشه در سطح انتظارات نیست. برتران هبیرون اظهار داشت: «آنان قدرتمند، سازمان یافته بوده و متکی به کارهای بزرگ در پشت صحنه هستند، اما با این حال: ممنوعیت BDS و کارزار بایکوت، عمدتاً با مشکل روبروست، تحرکات درباره یهودی ستیزی بسیار موثر بود و فصل فرهنگی فرانسه-اسرائیل با موفقیت بزرگی روبرو نشد».

دربرابر این نیمه شکست ها، لابی طرفدار اسرائیل، با بهره گیری از امکانات فراوان مالی، در فرانسه به مرحله بالاتر قدم می گذارد.

- 1Charles Enderlin, Les Juifs de France entre république et sionisme, Paris, Le Seuil, 2020.

درباره تهیه این گزارش

برای تهیه این گزارش که در طول چند هفته منتشر خواهد شد، دست کم دو بار، با 73 نماینده مجلس و سناتور تماس گرفتیم. 5 نماینده پاسخ دادند که با نام شان درج شده است؛ چهار نماینده، خصوصی پاسخ دادند. 8 نماینده و سناتور اطلاع دادند که پاسخ نمی دهند. من همچنین با 36 شرکت دارای سهام در بورس پاریس (چهار شرکت هیچ فعالیتی در اسرائیل نداشت) و بیست موسسه دیگر تماس گرفتم و چند بار یادآوری کردم. چهار پاسخ منفی صمیمانه دریافت کردم و فقط سه مصاحبه کم و بیش مفصل، که دو تای آن خصوصی تلقی شد. آخر سر با ده ها روزنامه نگار، روشنفکر، استاد دانشگاه، دیپلمات، رهبران حزب های سیاسی، مدیر موسسه و مسئولان انجمن ها گفتگو کردم. شمار کمی از آن ها مایل شدند پاسخ دهند و چند نفر هم به شدت مخالف بودند تا برای انتشار در *اوریان بیست و یکم* صحبت کنند.

من از کسانی که بدون پیشداوری روشنگری کردند، سپاسگزارم. نام آن ها در سراسر این گزارش خواهد آمد، همچنین نام چهار بازیگر اصلی این موضوع: فرانسیس کالیفا، رئیس شورای نمایندگی نهادهای یهودی در فرانسه (کریف)، آریه بنسیمهون، مدیر عامل المنت فرانسه، آلیس گارسیا، مسئول دفاع در پلاتفرم سازمان غیردولتی برای فلسطین و برتران هیبرون، رئیس انجمن همبستگی فرانسه-فلسطین. همچنین، در یک کشور دموکراتیک، لزوم شهروندی برای پاسخ به مطبوعات وجود دارد. آن ها و برخی دیگر، استقبال نکردند. از آن ها متشکرم، روشن است که کارشان را تایید نمی کنم. به دیده من، وظیفه روزنامه نگار، این است که از هیچ نقطه نظری صرف نظر نکند.

قانون سکوت، انتقاد از اسرائیل را خفه کرده است

فرانسه- اسرائیل. لابی، آری یا نه؟ (بخش دوم)

ژان استرن

اوریان بیست و یکم، 12 ژانویه 2021

ترجمه بهروز عارفی

امروزه، انتقاد از اسرائیل در فرانسه، ماموریت خطرناکی است و این کار، دست کم به ظاهر، برای کسانی که تلاش می کنند حتی طرح هر پرسشی درباره سیاست حکومت اسرائیل را ناحق نشان دهند، پیروزی بزرگی است. ایده روشن است: به فراموشی سپردن سرنوشت فلسطینی ها به سود روابط سیاسی و اقتصادی نوپا. و با این همه، افکار عمومی فرانسه با این نقطه نظر سازگار نیست.

پاسخ هایی که از مخاطبان می شنوید، به قرار زیر است: «من بیش از حد و راجی کردم»، «در مورد این موضوع صحبت نمی کنم»، «می خواهید چه پاسخی به شما بدهم؟»، «حتما درک می کنید، که در زمان حال، تمایل ندارم با شما گفتگو کنم»، «شما حق دارید، اما جنگ مغلوبه شده»، و دوستانه ترین

پاسخ این است: «در پژوهش تان موفق باشید». صرف گفتگو با صاحبان رای، نمایندگان منتخب مردم، کارفرمایان، روزنامه نگاران و روشنفکران، درباره روابط بین اسرائیل و فرانسه یا درباره لابی احتمالی (زیرا حتی استفاده از این واژه ایجاد بحث می کند) که در دفاع از اسرائیل تلاش می کنند، مترادف با قبول خطر انزوای شدید است. برای تهیه این گزارش و بررسی، از طریق ای میل و تلفن و در فاصله فوریه و نوامبر 2020، با تقریباً دویست نفر تماس گرفتیم. کمتر از سی نفر به پرسش های من پاسخ دادند.

یعنی، مزاحم نشوید، حرفی برای گفتن نیست.

هشتمین فروشنده اسلحه در جهان

باوجود این، روابط بین فرانسه و اسرائیل داستان درازی است که به منشاء صهیونیسم برمی گردد و با تاسیس دولت اسرائیل در سال 1948، پیشرفت تازه ای یافت. برای بسیاری از شاهدان روشن بین، سیاست کنونی اسرائیل تاسف آور است. رونی برومن ارزیابی می کند که «روای صهیونیستی چه زائید؟ ماشین های زرهی کاترپیلار و سیستم مراقبت مخالفان».

واقعیتی که بر ارقام استوار است: برطبق آمار «انستیتوی پژوهش های بین المللی استکهلم» (SIPRI)، اسرائیل هشتمین فروشنده اسلحه در جهان است و سهم این کشور در این بازار دائماً در حال افزایش است. به گزارش «سیپری» (International Peace Research Institute)، فروش سه شرکت تسلیحاتی کشور، «البت سیستم» (Elbit Systems)، «صنایع فضائی اسرائیل» (Israel Aerospace Industries) و «رافائل» (Rafael) در سال 2018 از 8/7 میلیارد دلار (7 میلیارد یورو) تجاوز می کند و هر سه شرکت در فهرست صد کمپانی بزرگ تسلیحاتی جهان که استیتوی سوئدی تنظیم کرده، قرار دارند.

رونی برومن در سال 1950 در بیت المقدس متولد و بزرگ شده است. او که پزشک است، مدت ها رئیس سازمان «پزشکان بدون مرز» بود و سپس نظریه پرداز خدمات نیکوکاری اضطراری انسانی گردید، او را وجدان بزرگ می نامند (امیدوارم که به خاطر این واژه، دلخور نشود). او مردی باز و کنجکاو است و در سال 1999 با همکاری ایال سیوان، فیلم برجسته مستندی درباره دادگاه آدولف آیشمن به نام «یک متخصص» با اقتباس از اثر هانا آرنه، «آیشمن در اورشلیم» ساخته اند. او توضیح می دهد: «اسرائیل تنها کشور راست افراطی آشکارا نژادپرست است که به مثابه یک دموکراسی مورد تجلیل قرار می گیرد. این امر، یک موفقیت دیپلماتیک ویژه ای برای اسرائیل است، اما موفقیتی قابل تردید: زیرا یهودیان آمریکا با سرعت زیاد از طرفداران اسرائیل دور می شوند، از پرچم اسرائیل و جمع آوری کمک مالی برای ارتش اسرائیل در کنیسه های آمریکا خبری نیست و برای شمار فزاینده ای از یهودیان در سراسر جهان، این مسئله، مخصه ایجاد می کند».

«تروریسم» فلسطینی

و نه فقط در فرانسه و ایالات متحده. گوندال روئیبار، نماینده مجلس شهر لوریان واقع در استان موربیان، از حزب «جمهوری به پیش» می گوید: «یک احساس بی عدالتی وجود دارد که بسیاری از نسل جوان عرب آن را حس می کنند و این واقعیت در این منطقه از جهان بسیار اهمیت دارد. این امر، رنجش و بغضی ایجاد کرده است. وقتی این را می گویم، تصور می کنم که یکی از جنگجویان قدیمی هستم، درحالی که این گفتمان، حاکی از نوگرایی کامل است. با این حس بی عدالتی نسبت به حقوق فلسطینی ها، چنین درک غلط و چنین تحقیرهایی را ناچیز می شمیریم، در حالی که نادرست است به اثرات تصمیم

های سیاسی در کشورهای عربی اهمیت ندهیم. کشمکش اسرائیل-فلسطین حاشیه ای نیست، مسئله ای مرکزی است».

و باوجود این، لابی طرفدار اسرائیل و هواداران آن هرکاری می کنند تا آن را معمولی نشان داده، به فراموشی سپرده و حلقه ای از نبردگسترده بین تروریسم اسلامیست و غرب قلمداد کرده، و به خاکی تشبیه کنند که در آن هر گونه ای از یهودی ستیزی با پوشش ضدصهیونیسم رشد می کند - که از سوی دیگر بیهوده خواهد بود که وزنه آن را نادیده گرفت.

در طول بیست سال، جدول تجزیه و تحلیل غالب در مناقشه تغییر یافته است. از این پس، طرفداران اسرائیل، مبارزه خلق فلسطین علیه اشغال را به عنوان یکی از شکل های تروریسم نشان می دهند. اسرائیل سیستم های مراقبتی را که *startup nation*، همان طوری که برومن می گفت، در سرزمین های اشغالی علیه فلسطینی ها آزمایش کرده است، در سراسر جهان، به کشورهای نظیر چین و یا عربستان سعودی که حتما نمونه های دموکراتیک نیستند، خواهد فروخت.

«لابی یهودی وجود ندارد»

نباید این نکته را فراموش کرد که از پایان قرن نوزدهم، یهودیان بسیاری با صهیونیسم سیاسی به مخالفت برخاسته اند، و پیش از همه فعالان کمونیست و [سندیکای] بودند (1)، یا مارتین بوبر، فیلسوف بزرگ و دانشمند الهیات یهودی آلمانی که معتقد بود که بدون عرب ها نمی توان دولتی در فلسطین ایجاد کرد و برای دولتی واحد و خیالی مبارزه می کرد که امروز، به رغم بیش از 70 سال مستعمره سازی، امکان عملی شدنش می رود. بوبر که اثر عمده اش با عنوان «من و تو» مارتین لوتر کینگ را تحت تاثیر قرار داد، با شخصیت فوق العاده اش، نمی توانست صهیونیسم را بدون عدالت تصور کند و در «یک سرزمین و دو خلق» (که در سال 1985 انتشار مجدد یافت) با همه نیرویش می نوشت: «آن چه "کتاب مقدس" به سادگی و با قدرت به ما می آموزد، که در هیچ کتابی نمی توان آن را یادگرفت، این است که حقیقت و دروغ وجود دارند و موجود انسانی ناگزیر است جانب حقیقت را بگیرد؛ که عدالت و بی عدالتی وجود دارند و رستگاری انسانیت در گزینش عدالت و طرد بی عدالتی است».

اما کسی حق ندارد «مخمسه» ای که برومن از آن صحبت می کند (و چند نفر دیگر در فرانسه، و تعداد کسانی که حاضر به اعلام موضع در ملاء عام هستند، کمتر و کمتر می شود، درست برخلاف ایالات متحده)، «بی عدالتی» که گویندال روئیبار و چند نماینده دیگر مجلس را به عصیان می آورد (تعدادشان بیشتر از آن است که می توان فکرش را کرد، ولی ساکت هستند)، را بر زبان آورد زیرا جریان مساعد با اسرائیل بر بحث های عمومی مسلط است. امروز، انتقاد از اسرائیل ماموریت خطرناکی است، و دست کم به ظاهر، برای کسانی که تلاش می کنند حتی حقانیت خود اصطلاح را از آن بگیرند، موفقیت بزرگی است. برای مثال، پاسکال بونیفاس، در سال 2003 «آیا مجاز است از اسرائیل انتقاد کنیم؟» را منتشر کرد (انتشارات رُبر لافون). مدیر انستیتوی روابط بین المللی و استراتژیکی (IRIS) در این کتاب می نویسد: «لابی یهودی وجود ندارد، زیرا جماعت یهودیان فرانسه گونه گونه گون است»، اما یک «لابی طرفدار اسرائیل وجود دارد، که در آن، البته یهودیان وجود دارند و همچنین کسانی که یهودی نیستند».

پاسکال بونی فاس، هنگامی که امروز صحبت می کند، ملاحظه می کند که «هیچ چیز تغییر نکرده، اما نسبت به هفده سال پیش وضع بغرنج تر شده است. بحث ها سخت تر شده اند. من در سال 2003 برای انتشار "آیا مجاز است از اسرائیل انتقاد کنیم؟" با مشکلاتی روبرو شدم، اما در سال 2011 برای انتشار "روشنفکران تقلبی" در سال 2011 دشواری های بیشتری داشتم. و از آن زمان، برای بسیاری از رسانه ها، شخص نامطلوب به شمار می آیم».

سپس، طنینی وجود دارد که یک استاد دانشگاه و کارشناس آگاه اوضاع منطقه (با حفظ هویت) با واژه هائی ساده بازتاب می دهد: بحث و جدل درباره لائیسیته طرح لایحه درمورد «جدائی*» را تغذیه می کند که جریان های سیاسی (به ویژه «بهار جمهوری خواه»، که به آن برمی گردیم) به آن دامن زدند. «بین تهاجم علیه هواداران فلسطین در فرانسه و تهاجم علیه حجاب و مسلمانان ارتباطی وجود دارد. در نهایت، افراد واحدی هستند که اسلام هراسی را توسعه می دهند و به طور متناقضی مناقشه اسرائیل-فلسطین را به فرانسه صادر می کنند.»

پس، برای محافل نفوذ طرفدار اسرائیل، این یک موفقیت ارزش ها نیست، بلکه یک پیروزی دست کم نسبی است. با تبلیغات بی ارزش بسیاری از سایت های اینترنتی اسرائیلی فرانسوی زبان

، نظیر JSSNews, Le Monde Juif.info, dreuz.info که جعل خبر کرده و اخبار را تحریف می کردند، و به ستوه آوردن و دروغ متوسل می شدند، فاصله بسیار داریم. علیه «عرب» و «مسلمان»، نباید کوتاه آمد.

اما، فعالیت این سایت های زیر نفوذ جماعت فرانسه زبان اسرائیل، به طور محدودی بین خودشان انجام می شود. تقریباً 50 هزار یهودی فرانسوی تبار در شهرک های مستعمره زندگی می کنند و بخشی از آن ها در خانه های دارای تهویه هوا و محصور با تورهای سیمی سخت دلتنگ می شوند. آن ها شبکه های اجتماعی را از «خبرهای» مربوط به اسرائیل پر کرده اند، و آن ها را با لحنی آزاردهنده، به تکرار پخش می کنند. برای مثال، در سال 2014، شایع کرده بودند که محمد ابو خدیج جوان را، خود فلسطینی ها کتک زده و زنده زنده سوزانده اند، در حالی که او را کولون ها [مستعمره نشینان] اعدام کرده بودند.

جاذبه START UP NATION

حتی بیشتر از آن، از چهار سال پیش، نمایندگان مجلس و منتخبان شوراهای شهری و استانی – از جمله آن هیدالگو شهردار پاریس (چندین بار)، از اسرائیل دیدار کرده و عکس های زیبایی که گواه عشق آن ها نسبت به مکان های مورد بازدید است در سایت های خودشان یا روزنامه های تبلیغاتی انتخاباتی منتشر می کنند، یا سفر گروه های خبرنگار که با توجه به نفوذ غیرقابل انکارشان انتخاب شده اند، که بعداً خواهیم دید، و شاید و به ویژه مدیران شرکت ها نشان می دهند که روابط فرانسه – اسرائیل در حال تغییر است. مسلم است که بحران بهداشتی، به طور موقت بر این ماموریت های اطلاعاتی و سفرهای اکتشافی نقطه پایان زده است. مثلاً، قرار بود در بهار 2020، یک هیئت از مدیران کمپانی های شرق فرانسه را همراهی کنم که سفر به بعد موکول شده است. اما، در اکتبر 2018، 185 کارفرمای استان برتانی برای سفری اکتشافی که اتحادیه شرکت های استان «ایل و ویلن» [در غرب فرانسه] سازماندهی کرده بود، وارد تل آویو شد. روزنامه «غرب فرانسه» نوشت که «اسرائیل آن ها را شیفته کرد. در این دیدار از سرمایه گذاری، بازار و نیز جنگ و مناقشه صحبت شد». یکی از کارفرمایان برتانی تعریف می کرد «من در آغاز، کمی نگران بودم، فکر می کردم آن جا کم و بیش جنگ است». چشم اندازها او را شیفته کرده بود، مخاطبان خوش برخورد و هتل ها دلچسب بودند.

بازار اسرائیل کوچک ولی پویاست و حضور اقتصادی فرانسه در آن ناچیز است. هیلن لو گال، سفیر وقت فرانسه در اسرائیل، که تبارش به خانواده ای از موربیا می رسد، از کارفرمایان برتانی در باغ

محل سکونتش پذیرائی کرده و آن‌ها را تشویق کرد که نمونه *startup nation* را دنبال کرده و در استان برتانی، «منطقه استارت‌آپ» بسازند. در برنامه، نه خبری از سیاست است و نه از فلسطین، یا برحسب اتفاق، ارتباطی بین دادوستد و محیط زیست. در سال 2019، همچنین هیئتی از مدیران کمپانی‌های بزرگ فرانسوی، از جمله رهبران گروه گول پیکر بوئیگ (در قلب بازرگانی و قدرت، شرکت ساختمانی، ارتباطات و رسانه‌ها) از آن‌جا دیدار کرد. همه از سفر پاکشائی در زیر و بم استارت‌آپ نیشن مجذوب برگشتند.

در تل آویو، دیپلماسی اقتصادی کارش را انجام می‌دهد. شعبه محلی Business France وابسته به وزارت امور اقتصادی ماموریت دارد سرمایه‌گذاری فرانسه در خارج را همراهی کند، امری که برای امانوئل ماکرون بسیار عزیز است. این اداره مخاطب شرکت‌هایی است که علاقمندند در اسرائیل توسعه یابند.

از یکی از مدیران شرکت‌های فرانسوی که سال‌هاست در اسرائیل فعالیت دارد، در صحبت تلفنی در مورد فلسطین پرسیدم، پاسخ نداد. سوال خود را تکرار کردم. به سکوت ادامه داد. برای سومین بار سوال را تکرار کردم و سپس فهمیدم. او نسبت به این مسئله بی‌تفاوت است. کمی بعد در گفتگو مسئله را تأیید کرد «اقتصاد را سیاست رهبری نمی‌کند، اسرائیلی‌هایی هستند که به تجارت مشغولند، فلسطینی‌هایی هم هستند که به تجارت مشغولند، آن‌ها کاری با نتانیاهو ندارند، آن‌ها فقط خواستارند با هم دیگر کار کنند.» از یک نماینده مجلس از حزب «جمهوری به پیش» در مورد موضع حزب‌شان درباره مناقشه اسرائیل-فلسطین سوال کردم، زیرا به نظر می‌رسد که بین مواضع همکاران او نظیر سیلون مایار، که در «باشگاه اتحادیه متفق» در پاریس در کنار نمایندگان «شهرک‌های مستعمره» با لبخند ظاهر می‌شود، و گوندال روئییار که با استواری با گسترش این شهرک‌ها مخالفت می‌کند، تفاوت فاحش وجود دارد. او نیز سکوت اختیار کرد. من سوال خود را دوبار تکرار کردم. او با تکرار «سه نقطه کوچک» ... عدم پاسخ خود را توجیه کرد.

«نمی‌توان با آنتی سمیتیسم بازی کرد»

این سکوت‌ها به دیگر نشانه‌های پیروزی طرفداران اسرائیل در فرانسه شبیه است. کلماتین اوتن، نماینده اهالی سین سن دنی از حزب «فرانسه نافرمان» با خشم می‌گوید: «به نظر می‌رسد که فلسطین آرمانی است از دست رفته، با درگیر شدن در آن، می‌ترسی که به یهودی ستیزی (آنتی سمیتیسم) متهم شوی. این اصلاً درست نیست، این کار یک جانشین اشکال دارد.» با وجود این، افکار عمومی با این ایده توافق ندارد و بر پشتیبانی از فلسطین پافشاری می‌کند. به موجب یک نظر سنجی موسسه ایفوپ در ماه مه 2018 به سفارش «اتحادیه دانشجویان یهودی در فرانسه»، 71٪ فرانسویان معتقدند «که اسرائیل در عدم وجود مذاکرات با فلسطینی‌ها، مسئولیت سنگینی دارند». این نکته را کمتر اعلام می‌کنند ولی 57٪ آن‌ها «تصویری بد» از اسرائیل داشته و به عقیده 69٪، صهیونیسم «ایدئولوژی ای است که به اسرائیل امکان می‌دهد سیاست اشغال و ادامه شهرک‌سازی در سرزمین‌های فلسطینی خود را توجیه کند». اما، آن‌ها در مورد این موضوع، کمتر کُنش نشان می‌دهند، شاید به خاطر هراس از این ملغمه ای است که بین ضدصهیونیسم و آنتی سمیتیسم ایجاد کرده‌اند و در اذهان بسیار وجود دارد. در واقع برای 54٪ از فرانسویان، «ضدصهیونیسم شکلی از آنتی سمیتیسم (یهودی ستیزی) است».

وانگهی، در این مورد نیز، چنین ترفندی با موفقیت آشکاری روبرو نشده است. «لایحه ی مایار» با الهام از «International Holocaust Remembrance Alliance» (اتحاد بین‌المللی برای یادمان هولوکاست)، ضدصهیونیسم را بر تعریف آنتی سمی تیسیم افزود و لایحه با 154 رای موافق در مقابل 72 و 43 رای ممتنع از مجموع 577 نماینده به تصویب مجلس فرانسه رسید. 300 نماینده که بیشترشان

از حزب رئیس جمهور بودند، در رای گیری شرکت نکردند و این کار، نشانه شکاف واقعی در بین آن هاست، به آن خواهیم پرداخت. استر بنباسا، سناتور گروه «اروپا اکولوژی سبزها» می نویسد «نمی توان با آنتی سمیتیسم بازی کرد. انتقاد از اسرائیل را از جنگال تبلیغاتی حکومت کنونی اسرائیل در آوریم. یک انتقاد سیاسی، نه به هیچ وجه آنتی سمیت».

اما، نویسنده «یهودی بودن پس از غزه» (سال 2009) که آن زمان در سنت و میراث بوبر از خود می پرسید، چگونه «این یهودیان با اسرائیلی شدن چنان دچار فراموشی شده اند که نخستین اصول اخلاقی، ستون یهودی بودن را فراموش کنند؟»، گاهی خود را منزوی حس می کند. تابستان گذشته، او به روزنامه هآرتس گفت «این نکته که من از آرمان فلسطین پشتیبانی می کنم، به این معنی است که محبوب ترین فرد برای یهودیان فرانسه نیستم». استر بنباسا، تاریخ دان، همان قدر از افزایش نژادپرستی در اسرائیل و فرانسه نگران است که از پیشرفت یهودی ستیزی در کشور ما. این که افراد ضعیف النفسی که سال هاست از آبشخور وحشیگری های تجدیدنظرطلبانه ی فعال راست افراطی آلن سورال یا همقطار او، دیو دونه، هنرپیشه کمدی پیشین، اشباع شده اند، بر روی شبکه های اینترنتی و گاهی در خیابان، از ضدصهیونیسمی سخن می گویند که نمی تواند عورت بی ارادگی ضدیهودی آنان را بپوشاند، یک امر بدیهی است.

اما، نکته اشکار دیگری نیز وجود دارد: هرگز، هواداران اسرائیل تا این حد در نهادها و فضای عمومی فعال نبودند. می توان آن را «لابی» نامید یا واژه «محفل های نفوذی» را ترجیح داد، بحث بر سر یک مسئله معناساختی نیست، بحث کاملاً سیاسی است. به نظر نمی رسد که تندروی فعالیت عمیق «طرفدار اسرائیلی» را در اعماق مجلس شورای ملی یا سنا، یا در شوراهای شهرداری پاریس یا نیس یا شهرهای بزرگ دیگر، اتاق های بازرگانی و تحریریه مطبوعات را خوب سنجیده باشند شده باشد.

پاورقی

1 - بوند، BUND

اتحادیه عمومی کارگران یهودی لیتوانی، لهستان و روسیه (بوند) در سال 1897 در ویلنیوس تاسیس شد. این سندیکا ضدصهیونیست، لائیک و سوسیالیست بود و در بین دو جنگ جهانی، نقش مهمی در لهستان ایفا کرد.

برای اطلاع بیشتر، می توانید به کتاب زیر مراجعه کنید:

Le Yiddishland révolutionnaire, d'Alain Brossat et Sylvia Glinberg, Syllepses, Paris, 2009.

توضیح مترجم:

* اشاره به لایحه موسوم به «جدائی» از جمهوریت است. دولت فرانسه هدف از تهیه این لایحه را مبارزه با جداسازی جماعت ها و فرقه های

مذهبی و تعرض به شهروندی اعلام کرده است. دولت فرانسه می گوید که این لایحه قانونی جهت پاسخ به انزوای جماعتی و توسعه اسلامیسیم

رادیکال و تحکیم احترام به اصول جمهوری خواهی و تغییر قوانین کیش ها در فرانسه تدوین شده است. این لایحه با اعتراض زیادی از جمله از

طرف احزاب چپ مواجه شده و هنوز به تصویب نرسیده است.

فرانسه – اسرائیل، لابی، آری یا نه؟ (بخش سوم)

افتخارات مخفی لابی نظامی-صنعتی در سال های دهه 1950

ژان استرن، JEAN ESTERN

ترجمه از فرانسه: بهروز عارفی

20 ژانویه 2021، اوریان بیست و یکم

بررسی: منشاء لابی طرفدار اسرائیل در فرانسه، ابتدا نظامی-صنعتی بود: فروش هواپیما، تانک و مهمات و نیز طراحی و ساخت مرکز هسته ای دیمونا به طور کاملاً محرمانه، که به اسرائیل امکان داد بمب اتمی بسازد. ژنرال دوگل به محض کسب قدرت، به تجارت پرثمری پایان داد که در سال های دهه 1950 و 1960، فرانسه را به نخستین فروشنده اسلحه به ارتش اسرائیل تبدیل کرده بود.

بازگشت به منشاء لابی طرفدار اسرائیل در فرانسه، در نهایت کار ساده ای است، کافی است بوی باروت را دنبال کنید. در سال های دهه 1950، کار عمده ی سازمان های یهودی فرانسوی که به اسرائیل توجه می کردند، نیکوکارانه بود، گرچه عمیقاً در طرح صهیونیستی غرق بودند (این امر در مورد «شورای نمایندگی نهادهای یهودی فرانسه – کریف» صدق نمی کند، که پس از جنگ جهانی [دوم]، هنگامی تاسیس شد که حزب کمونیست فرانسه نفوذ داشت). این سازمان ها، بی سروصدا بوده و با مردم کاری نداشتند و حتی با رسانه ها کمتر از آن، و تلاش می کردند یهودیان فرانسه را بسیج کنند و محصولات کیبوتس ها را به آنان می فروختند. لابی طرفدار اسرائیل در پاریس، ابتدا نظامی-صنعتی بود و ماهیتی سوسیال-دموکرات داشت. در میان آن ها موریس بورژس-مونوری، سیاستمدار رادیکال-سوسیالیست که همراه با رئیس دفترش، آبل توما شیفته دولت یهودی شد، یا مارسل داسو، صاحب صنایع هواپیماسازی که جنگنده «میستر 4» آن، گل سرسبد صنایع هواپیمائی فرانسه بود، و همچنین چند افسر عالی مقام مثل ژنرال پُل الی، رئیس ستاد، سرهنگ لوئی مانژن و ژنرال پیپر-سیریل لاو از دست اندرکاران فروش تسلیحات دیده می شدند.

اسرائیل هر چیزی می خرد: مثل هواپیماهای شکاری میستر 4 و اوراگان، تانک آم ایکس، موشک، مهمات ... ، اما دست بالا را هدف گرفت، یعنی سلاح اتمی که در آن زمان، فرانسه به طور جدی در حال تهیه اش بود و برای نخستین بار در فوریه 1960 در صحرا، باحضور مهندسان اسرائیل، آن را آزمایش کرد. و نسان نوزی آن را در «تاریخ محرمانه، فرانسه-

اسرائیل، 1948-2018 به تفصیل تعریف می کند (انتشارات LES LIENS QUI LIBERENT، 2018).

«دیمونا، جای عالی...»

در ژانویه 2011، استفان اسل پس از مصاحبه با آبراهام سیگال برای مجله «سوی دیگر»، پس از انتشار کتاب کوچکش «برآشوبیم»، با کلماتی سخت اوضاع غزه را که از آن جا بازدید هم کرده بود، نکوهش کرد و موجب حملات خشونت آمیزی به او شد. او تعریف می کرد که چگونه فرانسه ی سال های دهه 1950 به اسرائیل کمک کرد تا بمب اتمی بسازد. او در آن هنگام، دیپلمات بود و با چند رهبر جمهوری چهارم از جمله گی موله، پیپر مندرس-فرانس و کریستیان پینو دوستی داشت. اسل [1917-2013] آن زمان تعریف می کرد «این کار به منزله چیزی تلقی شد که ما موظفیم انجام دهیم، یعنی به اسرائیل مدیونیم که دولتی است که ما ایجاد کرده ایم، ما دوست داریم و ما پشتیبانی می کنیم. ما باید به آن کمک کنیم چراکه جهان خطرناک عرب آنرا محاصره کرده، جهان عربی که ما را نگران ساخته است. از نگاه ما، این یک سلاح دفاعی برای اسرائیل بود، همان طوری که فکر می کردیم برای فرانسه یک سلاح دفاعی است. ما فکر نمی کردیم که سلاح هسته ای، اسلحه تهاجمی است و در این حالت، به اسرائیل اعتماد داشتیم و می گفتیم: آری، دیمونا، خوب است.»

از سال 1954، پژوهشگران اسرائیلی با کمیساریای انرژی اتمی فرانسه CEA کار می کردند، و از نزدیک ساخت نیروگاه هسته ای «مارکول» نزدیکی شهر آوینیون [جنوب فرانسه] را که قرار بود پلوتونیوم فرانسه را تولید کند، دنبال می کردند. سپس، به رغم اطلاع آمریکائیان، 700 تکنسین و مهندس فرانسوی CEA و بخش هسته ای شرکت سدن گوبن (1) و نیز آلستوم و تامسون، از سال 1958 در نهایت خفا در بژرشوا حوالی زیگو مستقر شدند (داوید بن گوریون و گولدا مایر از اطلاع دادن به آمریکائی ها خودداری کردند، اما ماموران سیا دولت واشنگتن را در جریان می گذاشتند). آن ها در کار ساخت یک رآکتور و یک کارخانه جداسازی پلوتونیوم، ضروری برای تولید یک بمب اتمی در دیمونا، که مکانی پرت بود و در آن زمان دسترسی به آن بسیار دشوار، شرکت کردند. فرانسوی های مشغول به کار در محل ساختمان، برای ایزگم کردن کارت هویت جعلی داشتند و نامه های آن ها پس از توقیفی در آمریکای لاتین به دست شان می رسید. این، یک پیروزی برای لابی اسرائیلی در پاریس بود، ولی موفقیتی بسیار محرمانه «TOP SECRET» برای عملیاتی بود که شیمون پرز (از حزب کارگر اسرائیل) با یاری کسانی که عمدتاً سوسیالیست بودند، هدایت می کرد.

هوبر ودرین، وزیرخارجہ پیشین فرانسه توضیح می دهد: «در زمان جمهوری چهارم فرانسه، پشتیبانی از اسرائیل عمومی و منظم بود، و خود این جمهوری در چندمناقشه استعماری در کشورهای عرب درگیر بود. همکاری نظامی با اسرائیل بسیار تنگاتنگ بود، به طوری که شیمون پرز، دارای یک دفترکار در وزارت دفاع [فرانسه] بود». او که در آن زمان، همکار نزدیک بن گوریون بود و بعدها رهبر حزب کارگر، چندبار وزیر و رئیس جمهور شد، در واقع دفتری در هتل بریئن، در کوچه سن دومینیک در پاریس داشت، مکانی که بخشی از کله گنده های عراق دار جمهوری و نیز دفتر وزارت دفاع در آن جا قرار دارد.

حکومت اسرائیل به پرز ماموریت داده بود که تسلیحات فرانسوی خریده و شبکه ای موثر و بسیار حرف نگهدار و تودار ایجادکند. فردریک شیلو، تاریخ دان توضیح می دهد «روابط بین فرانسه و اسرائیل همواره پرشور بود و در آن هنگام، این رابطه بر روابط خصوصی متکی بود، و همان گونه که پرز در سال های دهه 1950 با ایجاد شبکه های متکی بر پیوندهای قوی و صمیمانه انجام داده بود، کارائی داشت. شیفتگی متقابل زیادی وجود داشت، به ویژه در شبکه های SFIO (2) [بخش فرانسوی انترناسیونال دوم]. اما برعکس، شبکه های ناشی از مقاومت یهودی فراحزبی بوده، صهیونیست نبودند و به یهودیتی جمهوری خواه باور داشتند که عمیقاً در جمهوری ریشه داشت». تاریخ دان نتیجه می گیرد، پس در این صورت، از ایده لابی بسیار دور بودند. (3)

ائتلاف نبرد علیه ناصر

داستان عاشقانه بین استفان اسل و اسرائیل اندکی بعد به پایان رسید. او در سال 2011 می گفت «از سال 1967، اسرائیلی ها دیوانه شدند». اما داستان عاشقانه بین لابی نظامی-صنعتی قدرتمند فرانسوی و بخش کوچکی از کشور که می گفت برای دفاع از خود نیاز مبرم به اسلحه دارد، ادامه داشت. از نقطه نظر اسرائیل، رابطه با فرانسه پیش از هر چیزی برپایه نیاز تسلیحاتی شکل گرفته بود، و بنا بر اصطلاحی که فردریک شیلو F. SCHILLO ساخته، «ائتلاف نبرد» بود. فرانسه، مدت های طولانی اولین فروشنده اسلحه به اسرائیل بود، و به کمک فرانسه و با تکیه بر میراث های ساخت داسو بود که اسرائیل در جنگ ژوئن 1967 برنده شد.

چند نفر از کارمندان عالی مقام و افسران ارشدی که با تسهیل دستیابی اسرائیل به اسلحه، در این کار درگیر شدند، این کار را کمتر برای ایدئولوژی و بیشتر به دلایل ژئوپولیتیکی انجام دادند. گرچه آن ها به طور محرمانه کار می کردند، اما به طبقه سیاسی سال های دهه 1950 تکیه داشتند. فردریک آنسل، مدرس دانشگاه و طرفدار فعال اسرائیل اظهار داشت: «فرانسه ی لائیک چپ همه وزنه خود را برای پشتیبانی از اسرائیل و شناسائی دولت در

سال 1979 به کار بست و شخصیت هائی چون رامادیه، بلوم و بیشتر رهبران SFIO در آن شرکت داشتند. فرانسه در منطقه "شام"، امپراتوری و حضور دائم دارد و وزارت امور خارجه در این مورد بسیار فعال است. سپس، در موقعیت آن زمان، این رابطه به ویژه بر ائتلاف نبرد علیه ناصر تکیه می کرد. و این امر، سه دلیل داشت: الجزایر، الجزایر، الجزایر».

درواقع، فرانسه به اسرائیل اسلحه می فروخت تا در وهله نخست، جمال عبدالناصر، رئیس جمهوری مصر را بشکند، چراکه رهبران فرانسه فکر می کردند نخستین پشتیبان FLN [جبهه آزادی بخش ملی (الجزایر)] ناصر است و او را «هیتلر جدید» می خواندند.

مدت های زیاد، افکار عمومی فرانسه از مسئله فلسطین بی اطلاع بودند. هر طور که شده باید به اسرائیلی ها کمک کرد، حتی هنگامی که فلسطینیان را اخراج می کند. این کار در اثر لابی مشخصی نیست، بلکه بیشتر به خاطر منافع مشترکی است که به آن، خوب پی برده اند، و ابتدا به خاطر مخالفت با ناصر و ناسیونالیسم عرب، سپس برای دفاع از منافع لابی نظامی-صنعتی. از سال 1959، دوگل خواست به آن پایان دهد، ولی فایده ای نداشت. یک مامور مخفی قدیمی توضیح می دهد: «دوگل به نظامیان گفت: با اسرائیلی ها، یک گام کمتر قدم بر می داریم، آرام آرام».

«سیاست عربی» ژنرال دوگل

تا سال 1967، همکاری فرانسه و اسرائیل، به ویژه نظامی بود. مامور مخفی فرانسوی می گوید: «فرانسوی ها بودند که اسرائیلی ها را آموزش دادند، دیمونا یک مدل فرانسوی است و شبیه به نیروگاه مارکول. اما از سال 1961، ژنرال دوگل به همکاری فرانسوی ها در ساختمان دیمونا پایان داد و کار ساخت آن، در سال 1963 تمام شد». فردریک شیلو اضافه می کند که «دوگل تصمیم گرفت به این وضع خاتمه دهد، و رابطه را عادی سازد. او معتقد بود که پیوندها خیلی قوی است. او می خواست استراتژی "شرقی" را توسعه دهد، با جهان مدیترانه ای و جهان عرب دوباره پیوند برقرار کند. باوجود این، شکاف 1967 غیرقابل انتظار بود، ولی کاملاً موجب شگفتی نشد».

فرانسیس کالیفا، رئیس کریف از سال 2016 توضیح می دهد: «فرانسه، از هنگام جنگ استقلال در 1948، همواره شریکی تعیین کننده برای دولت اسرائیل بود، به گروه هاگانا اسلحه می داد، سپس بعدها، چتربازان فرانسوی در جنگ سوئز شرکت کردند، و قراردادهای تسلیحاتی ادامه یافت، و غیره. دست کم تا سال 1967، و جنگ شش روزه، چنین بود تا این که با تحریم تسلیحات و حمله وحشتناک ژنرال دوگل گسست ایجاد شد. تا پایان دوره

ریاست جمهوری والرئیسکار دیسن، روابط سرد حفظ شد. فرانسه دوستی اش نسبت به اسرائیل را کمتر نشان می داد، در حالی که ظهور و سپس حضور دائمی مسئله فلسطین در فرانسه بیشتر در ذهن ها مطرح شد».

ژنرال دوگل در کنفرانس مطبوعاتی مشهورش در نوامبر سال 1967 که با گفتن «قوم یهود، مطمئن از خود و سلطه طلب» کمی نیش زده بود، به صورتی هشدار دهنده افزود که اسرائیل «در سرزمین هائی که تسخیر کرده، اشغال اعمال می کند که نمی تواند بدون ظلم، سرکوب و اخراج باشد و علیه خودش مقاومتی برمی انگیزد که به نوبه خود، تروریسم می نامد».

دوگل یک خط فرانسوی قوی علیه اشغال تعیین کرد، که جانشینان او کم یا بیش و کم با پشتیبانی از ایجاد یک دولت فلسطینی ادامه اش دادند. هوبر ودرین یکی از بازیگران عمده دیپلماسی فرانسه در طول بیست سال، در کاخ الیزه در دوره ریاست جمهوری فرانسوا میتران و سپس در وزارت امور خارجه در دوران دولت ژاک شیراک با نخست وزیری لیونل ژوسپن بود، توضیح می دهد که «پس از 1967، در یک کنفرانس مشهور، دوگل برخی جنبه های سیاست اسرائیل را مورد انتقاد قرارداد. در چند تبادل نظر با بن گوریون، در این باره توضیح داده است. سپس [ژرژ] پمپیدو و [پی یر] مسمر یک "سیاست عربی" دنبال کردند که هم دیپلماتیک و بازرگانی و هم در مورد انرژی بود».

باوجود این، داوید بن گوریون، جمله دوگل را که در گفتگوی خصوصی آن را «اشتباه لپی» می خواند، زیاد به دل نگرفت. در نامه ای، بن گوریون در 5 دسامبر 1967 (که دوباره نماینده مجلس شده بود) به دوگل نوشت: «من از پیوستن به انتقاد نادرستی که افراد متعددی در فرانسه و اسرائیل و کشورهای دیگر فرموله کردند، خودداری کردم، زیرا به عقیده من، سخنان شما را با جدیت لازم بررسی نکرده اند» و بن گوریون با آگاهی کامل به موضوع، می افزاید: «من که در دوران جمهوری چهارم [فرانسه]، نخست وزیر اسرائیل بودم، می دانم که روابط دوستانه با فرانسه، از زمان نوزائی دولت اسرائیل، در دوران جمهوری پنجم نیز ادامه یافته و من به دوستی وفادارانه تر و صمیمی تر از دوستی شما، هیچ نیازی ندارم».

دوگل تلاش کرد تا تحریم فروش اسلحه اجرا شود، از جمله فروش قطعات یدکی برای هواپیماهای فرانسوی [ارتش اسرائیل]. به خاطر این موضع، مطبوعات فرانسه از او سخت انتقاد کردند، و از جمله واکنش طرفداران آشکار اسرائیل را برانگیخت. در ژانویه 1969، پس از شورای وزیران که دستورکار آن تحکیم تحریم فروش اسلحه بود، سخنگوی دوگل پاسخ او به مطبوعات را چنین بازتاب داد: «شایان توجه است که ملاحظه می کنیم نفوذ

اسرائیل به نوعی در محافل نزدیک به امور خبری احساس می شود». آری، آن موقع نیز صحبت از وزنه لابی در رسانه هاست.

لابی طرفدار اسرائیل از مخفی گاه بیرون می آید

در دسامبر 1969، سرویس های مخفی اسرائیل، در بندر شربورگ، زیر گوش و چشم مقامات فرانسوی، البته با همدستی برخی از نظامیان فرانسه، چهار قایق گشتی را دزدیدند. «ماجرای قایق های گشتی شربورگ» موجب خشم رئیس جمهوری جدید، ژرژ پمپیدو شد. از سوی دیگر، در دوران ریاست او بود که اوضاع بین فرانسه و اسرائیل کدر شد. در جریان سفر پمپیدو به شیکاگو در سال 1970، سازمان های یهودی رئیس جمهوری فرانسه را به خاطر تحریم فروش اسلحه به اسرائیل و وعده فروش جنگنده های میراژ به سرهنگ معمر قذافی که تازه قدرت را در لیبی به دست گرفته بود، هو کردند. پمپیدو که بیشتر نسبت به اسرائیل سمپاتی داشت و برای بانک روچیلد کار کرده بود، از این که او را آنتی سمیت خواندند، بسیار آشفته شد. یکی از نزدیکان او، میشل ژوبر، دبیرکل کاخ الیزه و بعدها وزیر امور خارجه در سال های 74-1973، هنگام آغاز جنگ موسوم به کیپور در اکتبر 1973، پس از این که اعلام کرد: «آیا تلاش برای قدم گذاشتن در خانه خود، اجبارا یک تجاوز پیش بینی شده تلقی می شود؟»، سخت مورد انتقاد قرار گرفت. کاریکاتورست مجله تایم، او را به صورت نعلینی نشان داد که پرچم اسرائیل را لگدمال می کند، و میشل ژوبر که مرتبا او را یهودی ستیز می نامیدند، بعدها به میتران پیوست.

با این که پومپیدو در شیکاگو موجب خشم لابی طرفدار اسرائیل شده بود، در پاریس وضع طور دیگری بود. کریف در آن زمان سازمانی ناشناخته بود و دفاع از اسرائیل را هنوز یک داو سیاسی ملی نکرده بود. این سازمان در صحنه عمومی حضور چندانی نداشت، و ضیافت شام سالانه خود را بعدها در سال 1983 آغاز کرد. نه میتران و نه شیراک، در آن شرکت نکردند و اولین رئیس جمهوری که در این مهمانی شرکت کرد، نیکلا سارکوزی در سال 2008 بود.

یکی از مسئولان پیشین سرویس مخفی فرانسه می گوید: «در فرانسه ی آن دوران، کریف هنوز خیلی کم درگیر مسئله اسرائیل شده بود و "نوزائی یهودی" LE RENOUVEAU JUIF که در دوره ریاست ژیسکار دستن ایجاد شد، بیشتر پیشرو بود و با حمایت از لیکود در فرانسه در مورد مسئله فلسطین، مخالفت می کرد. اما، در آن دوران، نفوذ هر یک از این دو جریان نسبتا محدود بود». در واقع، LE RENOUVEAU JUIF بود که بسیج برای اسرائیل را در دوران ریاست ژیسکار با همکاری دو برادر، هانری و سِرژ هایدنبرگ

سازماندهی می کرد. اینان در سال 1981 رادیو J را تاسیس کردند که امروز نیز یکی از چهار رادیوی جماعت یهودی کشور است.

فردریک آنسل با طعنه می گوید «آن ها زندگی را برای ژیسکار سخت کردند، چرا که وی کلمه ای برای شادباش گوئی به سه طرف پیمان کمپ دیوید در سال 1978 بر زبان نیاورد. آن ها پوستری کوبنده منتشر کردند که در آن ژیسکار در حالی که در اردن قرار دارد، با دوربین به اسرائیل می نگرند». خود آنسل سال هاست که کارزاری پرهیاهو علیه پاسکال بونی فاس، رئیس انستیتوی روابط بین المللی و استراتژیکی IRIS به پیش می برد و او را بدون هیچ پایه ای به آنتی سمیتسم متهم می کند، و بدین ترتیب، آتش نفرت نسبت به این پژوهشگر را تندتر می کند.

این پوسترها، شاید نخستین تظاهر علنی لابی طرفدار اسرائیل در فضای عمومی است. یک سیاستمدار مشهور را، به نام دفاع از اسرائیل هدف گرفته اند.

سوء قصد کوچه کوپرنیک

سپس در سال 1981، برادران هایدنبرگ، کارزاری علیه ژیسکار به راه انداختند، که همچنین از یاری کریف برخوردار شدند. باوجود این، چندین شخصیت نزدیک به رئیس جمهور به نفع اسرائیل فعالیت می کردند. دوست قدیمی او، میشل پُنیا تووسکی، وزیر کشور، عضو انجمن «اتحاد فرانسه-اسرائیل» بود که سال های طولانی، ژنرال کونیگ، یکی از چهره های مرکزی فروش تسلیحات به اسرائیل در سال های دهه 1950، رئیس آن بود.

میشل ارنانو، شهردار شهر دوویل، گردشگاه مورد علاقه بخشی از جماعت یهودی استان «ایل دو فرانس» [پاریس و حومه بزرگ آن]، عادت داشت که در شهرداری خود با دیپلمات های اسرائیلی دیدار کرده و در هتل های مجلل این شهر ساحلی از آنان پذیرائی کند. ژیسکار، ژاک دومیناتی (که دستیار پارلمانی اش، آبل توما، یکی از بانیان دیمونا بود) را مامور کرده بود که پس از جمله شرم آور رمون بار نخست وزیر، از جماعت یهودی دلجوئی کند. رمون بار، شب سوء قصد علیه کنیسه ی کوچه کوپرنیک در سوم اکتبر 1980 در پاریس، گفته بود: «هدف این سوء قصد هولناک، ضربه زدن به کلیمیانی بود که به کنیسه می رفتند، [اما] به فرانسویان بیگناهی که از کوچه می گذشتند، ضربه زدند».

در اولین گردهم آئی، روز بعد از این سوء قصد آنتی سمیت، «جنبش علیه نژادپرستی و برای دوستی بین خلق ها» MRAP و «نوزائی یهودی» دست در دست شرکت کردند. چند سال بعد، کریف، همراه با آرنو کلا رسفیلد و ژیل-ویلیام گولدناژل به جرم افترا محکوم

شدند، زیرا MRAP را که از فلسطین حمایت می کرد، به آنتی سمیتیسم متهم کرده بودند. در این جا نیز، زمان تغییر کرده بود.

اما، نه رمون بار. اندکی پیش از مرگش در اوت 2007، با یادآوری از سوءقصد کوچه کوپرنیک، کارزار اعتراضی «لابی یهودی وابسته به چپ» را افشا می کرد. چپ و یهودیان، دو مشغله ذهنی رمون بار بودند. برخی اطمینان دارند که نخست وزیر پیشین و شهردار اسبق لیون آنتی سمیت بود، در حالی که یک دیپلمات بازنشسته او را «ناآگاه» ارزیابی می کند. به هر شکل، رمون بار آخرین سیاستمدار مهم بود که از واژه «لابی یهودی» به صورتی مبهم استفاده کرد.

ادامه دارد...

پاورقی ها:

1 - نام کمپانی «سن گوین هسته ای»، بعدها به «کمپانی همگانی معدن ها (کوژما)» COMPAGNIE AREVA و پس از آن آروا AREVA و اینک اورانو ORNANO تبدیل شده است.

2 - بخش فرانسوی انترناسیونال دوم (1969-1905) که بعدها به حزب سوسیالیست تبدیل شد.

3 - نویسنده کتاب La politique française à l'égard d'Israël (1946-1959), André Versaille, 2012

فرانسه-اسرائیل، لابی، آری یا نه؟ (بخش چهارم)

النّت. اسرائیل، شهرک های مستعمره و تکنولوژی مراقبتی آن را بشناسید ...

ژان استرن،

اوریان بیست و یکم، 26 ژانویه 2021
ترجمه: بهروز عارفی

بررسی.

النّت (Elnet, European Leadership Network) شبکه فعالی است که در پاریس، بروکسل، لندن، برلین، مادرید و ورشو مستقر است و برای تحکیم پیوندهای بین فرانسه و اسرائیل تلاش می کند و رهبران، کارفرمایان و نمایندگان مردم را جلب می کند. ساختار این تشکیلات محرمانه است و هدف آن فروش کالانی است به نام اسرائیل، استارت آپ های

آن و شهرک های آن در کشور فرانسه از طریق ایجاد و حفظ شبکه ای از تصمیم گیرندگان طرفدار اسرائیل.

در فرانسه، سازمانی با نامی بسیار بی طرف ایفای نقش لابی طرفدار اسرائیل را به عهده دارد: النت یعنی European Leadership Network و هدف خود را چنین توضیح می دهد: «تلاش برای تحکیم روابط دوجانبه بین اسرائیل و فرانسه». پیپر داراس، رئیس سیرنگهدار النت، یک لابی گر مقیم سوئیس است و در مرکز زنجیره ای از بنیادهای مدروز در مورد «رهبران جوان» و «گفتگوی استراتژیکی» قرار دارد که النت یکی از آن هاست. عمده ترین آن ها، The House Of Rising Stars (خانه ستارگان فروزان، با اول صفی ها طرفید)، مستقر در ژنو است، که دوست و آشنای بسیاری دارد و از جمله آن ها «انستیتو آموزش عالی دفاع ملی در فرانسه» است. می دانیم که نظامیان فرانسه همیشه علاقه خاصی به اسرائیل داشتند...

النت دفاتر متعددی در پاریس، بروکسل، لندن، مادرید و ورشو دارد و خود را بسیار اروپائی می شمرد و همچنین یک انجمن دوستداران نیز دارد (Friends Of Elnet)، که در نیویورک و لس آنجلس فعالیت می کند و وظیفه اش جمع آوری کمک مالی در ایالات متحده آمریکاست. در یک مهمانی مجازی در 15 نوامبر 2020 برای «تحکیم پیوندهای هواداری از اسرائیل» و جمع آوری کمک مالی با این هدف، النت بشردوستان طرفدار اسرائیل را حول ژون ریولین، رئیس جمهوری اسرائیل، گابی اشکنازی، وزیر امور خارجه و یعیر لاپید، وزیر پیشین از جناح «چپ میانه» که خود را رهبر اپوزیسیون می داند، سازماندهی کرد. ایشان تنها سیاستمدار اسرائیلی است که ماکرون علاقه دارد با او معاشرت کند. در آوریل 2019، در آستانه چندمین و چند کارزار انتخاباتی در اسرائیل، در کاخ الیزه، صمیمانه از لاپید استقبال کردند.

یکی از شخصیت هائی که از النت مراقبت می کند، برونو ترتره، نماینده برجسته امور پژوهشی خصوصی در فرانسه است. ترتره، معاون بنیاد پژوهش های استراتژیکی وابسته به انستیتو مونتیین، کارشناس مسائل دفاعی که در گذشته همکار ناتو و Rand Corporation بود، مدتی عضو حزب سوسیالیست و بنیاد تررا ئوا و سپس مشاور ماکرون در امور «استراتژیکی» در دوران کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری نیز بود. گر بخواهیم خودمانی حرف بزنیم، ایشان آدم باتجربه ای هست. در جریان یک سمینار اینترنتی در ژوئن 2020، ترتره «از النت که امکان داده همه رویه ها و همه واقعیت های جامعه اسرائیل را بشناسیم، تجلیل کرد». او که همکار مجله «اکسپرس» است، مرتباً در رسانه های دیگر نیز نوشته و در رادیو و تلویزیون ها ظاهر می شود، و به طرز غیر عادی به یک لابی نیاز دارد که در مورد شناخت از جامعه اسرائیل پرده پوشی نمی کند.

تغییر دادن موضع فرانسه

درواقع، برای النت، که افکار عمومی شناخت زیادی از آن ندارند، واقعیت های جامعه ترک برداشته اسرائیل، که به رغم بحران بهداشتی، هر هفته هزاران اسرائیلی علیه سیاست ننانیاهوی فاسد تظاهرات می کنند، اهمیت چندانی ندارد.

توجه این سازمان، بیشتر به «روابط استراتژیکی»، به تهاجم علیه ایران و مبارزه با «بایکوت-عدم سرمایه گذاری-مجازات» (BDS) و نیز حمایت از شهرک های مستعمره

معطوف است. موضوعات متنوعی که آشکارا در مرکز کاربردی نخست وزیر اسرائیل قرار دارند.

به گفته‌ی آری بنسِمهون، رئیس‌النت در فرانسه، در مورد نقش این انجمن ابهامی وجود ندارد، «حتی اگر از لحاظ فنی، النت یک لابی نیست، ما چیزی برای فروش نداریم». مگر منظور، سیاست حکومت اسرائیلی نباشد. او توضیح می‌دهد، النت فرانسه می‌خواهد «میز مربوط به مواضع فرانسه را بر سر آن چه مناقشه اسرائیل-فلسطین می‌خوانند، واژگون کند. ما در سال 1967 نیستیم، حتی اکنون، اسلو نیز بسیار دور است. باید تناسب قوا در محل، تحولات جهان عرب و همچنین طرح ترامپ را در نظر گرفت، البته نه برای پذیرفتن این آخری در کلیت آن، بلکه به این دلیل که نکته جدید و یک نقطه آغاز است».

آری بنسِمهون مایل است که «گفتمان [فرانسه] تغییر یابد». او موضع جدید «روشن و دقیق» مطالبه می‌کند «که از شناسایی اورشلیم (بیت المقدس) به عنوان پایتخت اسرائیل می‌گذرد». در واقع، مواضع بنسِمهون روشن و دقیق است. بسیار بیشتر از ده‌ها متخصص، روشنفکر، نماینده و منتخب مردم که او با تامین هزینه راهی اسرائیل می‌کند و سپس به خوانندگان شان، دانشجویان شان، و مخاطبان شان، زبانی کاملاً پرداخته شده ارائه می‌دهند، مثل خانم اورور پرژه و هم‌قطارانش در مجلس ملی فرانسه، نظیر سیلوان مایار و میپر حبیب و نیز برونو ترتره، و ژرار رابینوویچ، جامعه‌شناس و بسیاری دیگر. آری بنسِمهون توضیح می‌دهد «در مقوله سیاست خارجی، دوست وجود ندارد، فقط رابطه وجود دارد. رابطه سیاسی فرانسه-اسرائیل، عشق دیوانه وار نیست، بلکه رابطه متعادل، مثبت، سازنده با همکاری فراوان است: نظیر پژوهش علمی، ابداعات، مشارکت در موسسات، و روابط و تبادل اطلاعات در مورد مسائل استراتژیکی، نظامی و مبارزه با تروریسم».

النت فرانسه در مورد همه این مسئله‌ها فعالیت می‌کند. همان گونه که ژان-داوید بنیشو، ارباب صنایع «پیشرفته» High-Tech و عضو هیئت مدیره می‌گوید، بایستی «بی‌اعتمادی دوجانبه را برای استقرار اعتماد متقابل از بین برد، نمایندگان ملت را همراهی و شرایط گفتگو را فراهم کرد». آری بنسِمهون می‌افزاید «النت یک انجمن درچارچوب حقوق فرانسه، غیردولتی و غیرجماعتی است که در دفتر انجمن‌ها ثبت شده است، ما یک اندیشکده (Think tank) هستیم. ما ماموریت هائی سازماندهی می‌کنیم، هیئت هائی اعزام می‌کنیم و سمینار برگزار می‌کنیم. منبع مالی ما را کمک خصوصی بنیادها، شرکت‌ها و افراد تامین می‌کنند. النت هیچ پولی از دولت دریافت نمی‌کند».

مسلم است که در زمینه لابی‌گری، اولویت اسرائیل عمدتاً ایالات متحده، تامین‌کننده اصلی تسلیحاتی آن است، و در درجه بعدی، اتحادیه اروپا است. زیرا اسرائیل عضو سازمان‌های اروپائی متعدد است، که برخی نظیر یوروویژیون و مسابقه مشهور آواز آن یا مسابقات فوتبال اروپائی برای مردم شناخته شده است. اما به ویژه به این دلیل که اسرائیل با چندین برنامه اروپائی همکاری می‌کند که شرکت‌های اسرائیلی سود می‌برند، مثل طرح گسترده ایمنی سازی خط لوله گاز اروپائی که شرکت «اللبیت سیستم»، یکی از سه گروه بزرگ دفاعی اسرائیل در آن سهم است. داو امنیتی چنان برای اسرائیل اهمیت دارد که همکاری با اروپائی‌ها برای این کشور اساسی است و در واقعیت، اسرائیل موقعیتی شبیه به عضو دارد که هیچ کدام از شریکان اروپا ندارد. از سوی دیگر، دفتر النت در بروکسل، همچنین شامل ناتو نیز می‌شود و به قول یکی از ناظران «کار کلاسیک لابی‌گری به نفع کشورش

انجام می دهد. از طرف دیگر، من در ابتدا فکر کردم که این یک موسسه دولتی اسرائیلی است».

«جلسه های توجیهی استراتژیکی» در پاریس

اما فرانسه، قدرتی جهانی، عضو شورای امنیت سازمان ملل و به طور ضمنی سومین صادرکننده اسلحه در جهان، به هر حال هدف جالبی برای النت می باشد. یک دیپلمات اسرائیلی مامور در پاریس معتقد است که «در جهان، صدای فرانسه اهمیت دارد». برای او، «النت جنبشی است که در مورد درک اسرائیل کار می کند، ولی آن چه برخی از سازمان ها می توانند انجام دهند، برای ما چندان اهمیت ندارد، در فرانسه یک صدای اسرائیلی وجود دارد و آن هم سفارت است. النت یک بازوی سفارت نیست.»

مطمئناً، از نظر ساختاری چنین نیست، اما النت، ابتدا ارزش اسرائیل را در فرانسه بالا می برد، و حتماً سفارت از این جهت ناراضی نیست. هنگامی که سرتیپ روین مانلیس، سخنگوی نیروهای مسلح اسرائیل در ژوئیه 2018 از پاریس دیدار می کند، النت برنامه را می چرخاند و برای او «جلسه های توجیهی استراتژیکی» با مخاطبان مشخص برگزار می کند. حتی، کمیسیون امور خارجه مجلس ملی، روز سوم ژوئیه 2018، از او در اونیفورم نظامی در مجلس استقبال می کند که وی آن را «تاریخی» و «استثنائی» می نامد و البته خوب می فهمیم چرا. ژنرال مانلیس با لباس نظامی برتن، توضیح می دهد «ما کوشش می کنیم وجدان ها را تحت تاثیر قرار دهیم، این بخشی از مناقشه، نبرد با دشمن است».

روین مانلیس در حضور نمایندگان فرانسوی می گوید که ارتش او ماموریت دارد «همراه با کشورهای آزاد با ظلمات نبرد کند» و با سازمان های تروریستی و حماس که «به طور باورنکردنی ستمگر» است به جنگ پردازد. باوجود این، ماریپل دوسارنیز، رئیس کمیسیون (که 13 ژانویه 2021 درگذشت) به ژنرال گوشزد کرد که «غره زندانی با سقفی باز است، شما نمی توانید و نباید از بخشی از مسئولیت ها درباره آن چه در آن جا می گذرد، خود را معاف کنید». آن داوید، نماینده سوسیالیست از استان ژیروند (بردو) در مورد ضدحمله ارتش اسرائیل در برابر راه پیمائی های جمعه ها در بهار 2018 در غزه می گوید: «شما عملیات برقراری نظم را به مثابه عملیات جنگی انجام داده اید، ما این کشتار را محکوم می کنیم». دیگر نمایندگان نیز همسو با او موضع گرفتند به استثنای میر حبیب، نماینده بخش هشتم فرانسویان خارج از فرانسه که به روش همیشگی اش درباره «خشونت آنتی سمیت که پیش از هر چیزی از نفرت نسبت به اسرائیل تغذیه می کند» سخن راند و گفت «سیاستمداران و رسانه ها روی اسرائیل متمرکز می شوند».

ژنرال مانلیس با خوشحالی از گفت و شنود، از مجلس ملی فرانسه برای «افتخار بزرگ» که نصیب او شده، سپاسگزاری کرد. یک ژنرال اسرائیلی با اونیفورم نظامی در پارلمان جمهوری فرانسه که رسماً سرکوب در غزه را محکوم می کند، زیاد معمول نیست و من مطمئن نیستم که این امر افتخاری برای فرانسه باشد.

چه سفرهای دلیذیری

ماموریت اصلی النت آوردن اسرائیلی های بانفوذ به پاریس و به ویژه فرستادن فرانسوی ها به اسرائیل است. آری بنسیمهون با اظهار رضایت می گوید «بسیاری به اسرائیل سفر

می‌کنند و النت با اعزام نمایندگان، بازرگانان، هیئت‌های استانی و محلی در این کار شرکت می‌کند. با بازدید از محل، با درک بخرنجی‌ها، نگاه‌ها تغییر می‌کنند. چون فرانسه با رادیکالیسم اسلامی و تروریسم مواجه است، این کار فرانسوی‌ها را کمتر پرتکبر و کمتر پدمآب می‌کند». برخی از این‌که این سفرهای «اکتشافی» اهمیت زیادی کسب کرده‌اند، ناخشنودند. یک سفیر پیشین فرانسه می‌گوید «اسرائیلی‌ها همیشه تلاش می‌کنند، بازدیدکنندگان را به جولان و شهرک‌های مستعمره ببرند. چرا نه، ولی همه سندهای بین‌المللی که ما امضا کرده‌ایم، خلاف آن را می‌گویند. آیا سیاست فرانسه تغییر کرده است؟ در زمان حاضر، دولت نگفته که "ما کولونی‌ها (شهرک‌ها) را دوست داریم"».

برونو ژونکور، نماینده سن بریو با کنایه می‌گوید، بدین صورت، 37 نماینده از جناح‌های مختلف «توافق نظر دارند که در سال 2018 سفر خوبی به اسرائیل داشتند». البته این سفر را که بزرگترین هیئت پارلمانی فرانسه را از زمان تاسیس دولت اسرائیل در سال 1948 به این کشور برده بود، النت سازماندهی کرده بود. نمایندگان از محله مورد مشاجره موسوم به داوید در سیوان که محله‌ای فلسطینی در بیت المقدس بوده و مقامات فرانسوی «اشغال شده» می‌دانند، بازدید کرده، با نتانیاهو ملاقات کرده و با امیر او هانا، وزیر دادگستری و کارمند پیشین شین بت، راست‌گرا و عضو حزب لیکود و از سال 2020 وزیر کنونی امنیت عمومی، شام خوردند. برونو ژانکور ادامه می‌دهد «آن‌ها سنگ تمام گذاشتند. این بخشی از استراتژی حکومت اسرائیل است، و نشانه اراده او که به سیاست‌اش که از سوی دیگر رضایت بخش نیست، وجهه‌ای بخشد». گوندال رویار، نماینده شهر لوریان (غرب فرانسه) می‌افزاید «سفارت اسرائیل در فرانسه، همیشه از نمایندگان مجلس فرانسه درخواست‌هایی داشته‌اند، ولی بیست سال است که فشار سازمان‌های طرفدار اسرائیل بسیار قوی‌تر شده است. تأثیرات این سفرها به اسرائیل، پیامدهایی دارند، به ویژه که آن‌ها سمت‌گیری مشخصی دارند. من این فشارها را در دوران ریاست اولاند و نیز ریاست جمهوری کنونی مشاهده کرده‌ام. اما، اگر النت از من دعوت کند، نخواهم رفت، نقش این لابی را می‌دانم و مایل نیستم در آن شرکت کنم».

هنگامی که امام حسن شالقومی همراه با چهل جوان فرانسوی و بلژیکی در ژوئن 2019 از اسرائیل دیدار کرد، این سفر را نیز النت سازمان داده و هزینه‌اش را پرداخته بود. النت نه منبع مالی کم دارد و نه با کمبود ایده روبروست.

رسواکردن مدافعان حقوق فلسطینیان

در مورد فرانسه چنین نیست. چندماه پس از سفر رسمی ژنرال مانلیس، جمهوری فرانسه در دسامبر 2018 «جایزه حقوق بشر» را که در سال 1988 ایجاد شده، به دو سازمان دفاع از حقوق انسانی که در سرزمین‌های اشغالی فلسطین فعال‌اند، اعطا کرد: سازمان اسرائیلی بت سلیم و الحق فلسطینی. قرار بود نیکولا بلویه، وزیر دادگستری فرانسه، جایزه‌ها را در سالن وزارت دادگستری در میدان واندوم به مسئولان دو انجمن، حاگی العاد و شوان جبارین که به این منظور به پاریس آمده بودند، اهدا کند. اما، سفارت اسرائیل، پیر حبیب (نماینده مجلس) و «شورای نمایندگی سازمان‌های یهودی در فرانسه» (کریف) کارزاری همراه با سخنانی توهین‌آمیز، در راستای سخنان یک وزیر اسرائیلی علیه اهدای این جایزه‌ها به راه انداختند. او خشمگین بود که فرانسه به دو سازمان که «اسرائیل را متهم به آپارتاید کرده و "ما" را در صحنه جهانی ناحق نشان می‌دهند، از تروریسم دفاع و از BDS حمایت می‌کنند، جایزه بدهد».

کریف همچنین بر روی سایت اینترنتی خود، «شعارهای سیاسی» علیه دو سازمان غیردولتی به امضای آن جی او مونیاتور، «یک ضدسازمان غیردولتی» اسرائیل منتشر می کند که در آن فعالیت های سازمان های نیکوکار را در فلسطین و اسرائیل افشا می کند و ادعا می کند که فعالیت آن ها به ویژه بت سلم و الحق «به صورت شدیدی تحریف آمیز» است.

نزدیک به صدنفر، در سالن منتظر بودیم تا بلویه به نام جمهوری فرانسه به افتخار بت سلم و الحق سخنرانی کند. زمان می گذشت و انتظار ما به پایان نمی رسید. اما، وزیر به بهانه یک جلسه اضطراری خودی نشان داد و رد شد. ما شرمنده شدیم. یک ژنرال می توانست در لباس نظامی در مجلس فرانسه رژه رود، اما با دو رهبر سازمان های دفاع از حقوق انسانی، چنین رفتار می کنند. هاگی العاد، که یکی از کابوس های نتانیا هو بود، دلسرد شد اما، شگفت زده نشد. چند هفته پیش از آن، او در شورای امنیت سازمان ملل متحد سخنرانی کرده بود و راست گرایان اسرائیل او را به خاطر سخنان صریحش، زیر دشنام گرفته بودند. «به نتانیا هو، نخست وزیر می گویم، ما را هرگز نمی توانید خفه کنید - نه ما را و نه صدها هزار اسرائیلی را که وضعیت کنونی را که برپایه برتری و سرکوب ایجاد شده، رد می کنند و برای آینده ای بر پایه برابری، آزادی و حقوق انسانی درگیر شده اند. من نه یک خائتم و نه یک قهرمان. قهرمانان واقعی فلسطینی ها هستند که این اشغال را با شجاعت تحمل می کنند؛ که در نیمه های شب، سربازانی که سرزده وارد خانه های شان شده، بیدارشان می کنند، که می دانند اگر یکی از خویشان شان کشته شود، مسئولان قتل از مجازات مصون خواهند ماند؛ که بر روی زمین های شان می مانند، با این که می دانند، زمانی نخواهد گذشت که بولدزرها از راه خواهند رسید.»

میر حبیب، نماینده مجلس، آلیزا بین-نون، سفیر اسرائیل و فرانسیس کالیفا، رئیس کریف، در اطلاعیه های خود، تویت های خود و بیانیه های خود خط مشترکی را دنبال می کردند. آن چه را که وزیر امور استراتژیکی در اورشلیم تعیین کرده و NGO Monitor پخش کرده و المنت به طور روزمره، آن رهنمودها را در پاریس پیاده می کرد: یعنی نباید گذاشت که اتفاقی بیافتد. می توان در پاریس، از یک ژنرال اسرائیلی تجلیل کرد، اما نه از مدافعان حقوق انسانی اسرائیلی و فلسطینی. یک پیروزی بزرگ و مهم.

لینک های مقاله در سایت اوریان بیست و یکم:

[4404https://orientxxi.info/magazine/france-israel-lobby-or-not-lobby,](https://orientxxi.info/magazine/france-israel-lobby-or-not-lobby)

[4446https://orientxxi.info/magazine/articles-en-persan/article](https://orientxxi.info/magazine/articles-en-persan/article)

[4458https://orientxxi.info/magazine/articles-en-persan/article](https://orientxxi.info/magazine/articles-en-persan/article)

[4473https://orientxxi.info/magazine/articles-en-persan/article](https://orientxxi.info/magazine/articles-en-persan/article)

[4506https://orientxxi.info/magazine/articles-en-persan/article](https://orientxxi.info/magazine/articles-en-persan/article)